مشارکت دانشجویان در تدریس از دیدگاه اعضای هیأت علمی: یک مطالعه کیفی

کاظم حسین زاده[۱]، رامین سرچمی[۲]، هدی مرادآبادی[۳]، مصطفی ارباب کاظم زاده[۳]

[۱]. گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

کد ارکید: 0000-0003-2076-7455

[۲]. گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

[۳]. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، دوره پنجم شماره اول بهار و تابستان ۹۷ صفحات ۵۳-۴۲.

چکیده

مقدمه و هدف: تدریس، اقدامی هدف‌دار در فرآیند آموزش است که توسط استاد طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌شود. یکی از مؤثرترین ترفندهای آموزشی که می‌تواند منجر به یادگیری مؤثر در دانشجویان شود، استفاده از مشارکت دانشجویان در تدریس است. پژوهش حاضر به تبیین پدیدارشناسی مشارکت دانشجو در تدریس از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین پرداخته است.

روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتوا است. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان، داشتن سابقه تدریس حداقل ۵ سال به عنوان عضو هیأت علمی پیمانی، رسمی آزمایشی و رسمی قطعی بود. تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس معیار ذهنی اشباع داده‌ها از دیدگاه پژوهشگران ۸ نفر بسنده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های باز و نیمه ساختاریافته استفاده گردید. پس از کدگذاری واحدهای معنایی مضامین و زیرطبقات استخراج گردید.

یافته‌ها: تحلیل مصاحبه‌ها ما را به سه مضمون اصلی «مهارت»، «قوانین و مقررات» و «شرایط» رهنمون ساخت. مضمون نخست به دو زیر طبقه «مهارت استاد» و «مهارت دانشجو» مجزا شد. طبقه «قوانین و مقررات» به دو زیر طبقه «قوانین ارزشیابی» و «مقررات آموزشی» تفکیک شد. «شرایط معنوی» و «شرایط فیزیکی» نیز زیر طبقات «شرایط» بودند.

نتیجه‌گیری: اگرچه برخی عناصر تدریس مشارکتی قابل تغییر و تعدیل نیست، لیکن توجه به عناصر قابل تعدیل آن مورد توصیه پژوهشگران است. از سویی دیگر، لازم است نسبت به نیازهای آموزشی استادان و دانشجویان در زمینه دو مقوله اساسی در تدریس مشارکتی؛ «مهارت ارتباط مؤثر» و «مهارت بحث گروهی» اهتمام جدی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: استاد، تدریس، دانشجو، مشارکت، مطالعه کیفی.

نویسنده مسؤول:
رامین سرچمی
دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
کد ارکید: 0000-0002-5243-8421
پست الکترونیکی:
sarchami_3000@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۹۶/۴/۱۱ اصلاح نهایی: ۹۶/۷/۱۵ پذیرش مقاله: ۹۶/۷/۱۶

ارجاع: حسین زاده کاظم، سرچمی رامین، مرادآبادی هدی، ارباب کاظم زاده مصطفی. مشارکت دانشجویان در تدریس از دیدگاه اعضای هیأت علمی: یک مطالعه کیفی. راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی. ۱۳۹۷؛ ۵(۱):۴۲-۵۳.

مقدمه

تدریس یکی از عناصر اصلی و فعالیت کانونی اعضای هیأت علمی آموزشی دانشگاه‌ها است. تدریس، فرایندی در آموزش است که سبب انتقال دانش و مهارت‌ها به فراگیران می‌شود (۳ -۱). نتیجه تدریس به هر صورتی که انجام شود باید یادگیری در فراگیران باشد. تدریس، اقدام هدف‌داری در فرایند آموزش است که توسط استاد طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌شود (۳ ،۲). به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که تدریس مجموعه مهارت‌هایی را شامل می‌شود که قبل، ضمن و پس از اجرای فرایند آموزش صورت می‌گیرد و امکان

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

آموزش دانشجو را فراهم می‌نماید (٤). تدریس به دانشجو کمک می‌نماید تا بر اساس شرایط فراهم شده به یادگیری دست یابد. شکی نیست که تدریس مؤثر؛ تدریسی که بتواند به حداکثر یادگیری در فراگیران منجر شود، همواره مورد توجه مراکز آموزشی، تربیتی و مدرسان است (٦، ٥). آنان در تلاش هستند تا راه‌هایی برای تدریس اثربخش شناسایی و معرفی نمایند و در قالب آن بتوانند به از اتلاف هزینه‌های آموزشی بکاهند. اکنون سالیان زیادی است که پژوهشگران در حوزه‌های مختلف؛ آموزش، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت به تحقیق در زمینه تدریس مؤثر پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تدریس مؤثر نیازمند شرایط و امکانات متعددی است که باید در سه عنصر اصلی آموزش؛ استاد، فراگیر و محیط، فراهم باشد (٥ -٣). شاید فراهم آوردن کامل تمامی این شرایط برای برخی دانشگاه‌ها میسر نباشد، در این میان شایسته است تا به فراهم‌آوردن مؤثرترین آن‌ها اقدام شود. یکی از مؤثرترین ترفندهای آموزشی که می‌تواند منجر به یادگیری مؤثر در دانشجویان شود، استفاده از مشارکت دانشجویان در تدریس است (٩ -٧). هر چند که نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نسبت به تأثیر مثبت مشارکت دانشجویان در میزان یادگیری آن‌ها اذعان دارند (٣)، اما به نظر می‌رسد، مفهوم پدیدارشناسی مشارکت مورد غفلت قرار گرفته باشد. لذا هدف پژوهش حاضر، بررسی و تبیین مشارکت دانشجو در تدریس بوده که با رویکرد آنالیز محتوا انجام شده است.

روش‌ها

مطالعه حاضر، یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتوا بوده و با هدف تبیین و توسعه مشارکت دانشجویان در تدریس در دانشگاه علوم پزشکی قزوین و در سال ١٣٩٤ صورت گرفته است. بر اساس نتایج مطالعات مروری عوامل مختلفی بر مشارکت دانشجویان در تدریس تأثیر می‌گذارند و از آن جا که این عوامل تحت تأثیر عوامل متعددی هم‌چون مهارت دانشجو و استاد به علاوه ویژگی‌های شخصیتی آنان، نوع و محتوای درس، و نیز شرایط محیط آموزشی بستگی دارد، روش تحقیق کیفی برای این مطالعه استفاده گردید که ابزاری برای به دست آوردن اطلاعات غنی و عمیق از مشارکت‌کنندگان است (٧ -٦). ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان، داشتن سابقه تدریس حداقل ٥ سال به عنوان عضو هیأت علمی پیمانی، رسمی آزمایشی و رسمی قطعی بود. مشارکت‌کنندگان شامل ٨ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بودند که همگی تمایل به مشارکت در طرح و ارایه تجارب غنی خود داشتند. نیمی از مشارکت‌کنندگان خانم بودند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان (٤/٣ ± ٣٨/٨) سال و میانگین سابقه تدریس آنان (٤/٦ ± ١٦/٤) سال بود. تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس معیار ذهنی اشباع داده‌ها از دیدگاه پژوهشگران تعیین گردید. ملاحظات اخلاقی شامل توضیح هدف پژوهش و روش جمع‌آوری اطلاعات برای مشارکت‌کنندگان

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

انجام گردید. به مشارکت‌کنندگان برای شرکت آزادانه در پژوهش و نیز امکان خودداری از ادامه مشارکت در پژوهش اختیار داده شد. هم‌چنین پژوهشگران در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات هویتی مشارکت‌کنندگان متعهد شدند و از همه آن‌ها برای انجام مصاحبه و ضبط گفتگوها رضایت آگاهانه اخذ نمودند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های باز و نیمه ساختاریافته استفاده گردید. زمان مصاحبه ها از ۳۰ تا ٤٥ دقیقه متفاوت بود و مکان انجام مصاحبه با هماهنگی و رضایت مشارکت‌کنندگان در اطاق اساتید تعیین گردید. در شروع مصاحبه ابتدا پژوهشگر خود را معرفی نمود و هدف مصاحبه را توضیح می‌داد. سؤالات راهنمای مصاحبه شامل؛

۱- آیا از مشارکت دانشجویان در تدریس خود استفاده می‌کنید؟

۲- چه عواملی مانع از مشارکت دادن دانشجو در تدریس می‌شود؟

بود که در طول مصاحبه با سؤالات مناسب مبتنی بر هدف پژوهش تداوم یافت. تحلیل داده‌ها با روش تجزیه و تحلیل محتوی صورت گرفت و طبقه‌بندی و کدگذاری به طور مسقیم و بی‌واسطه از متن مکتوب مصاحبه استخراج گردید. تحلیل با مصاحبه اول شروع شد و با نتایج مستخرج از آن اساس مصاحبه بعدی پی‌ریزی شد و بدین صورت تا آخرین مصاحبه تداوم یافت. تحلیل محتوای کیفی یک رویکرد پژوهشی است که به منظور تفسیر ذهنی داده‌ها به کار گرفته می‌شود و در نهایت به استخراج درون مایه‌های اصلی از درون داده‌های مشارکت‌کنندگان مطالعه ختم می‌گردد. برای حصول به نتیجه مطلوب پژوهشگر کوشش نمود تا کلیه اصول برقراری ارتباط (گوش کردن فعال، مشاهده رفتار) را رعایت نماید و در اوج بی‌طرفی و پیش‌داوری به استخراج درونمایه‌ها و تفکیک طبقات و زیر طبقات بپردازد. برای تحلیل مقایسه‌ای داده‌ها از روش‌های تحلیلی متعدد مانند؛ واکاوی در کلمات، عبارات و جملات و نیز مقایسه درون طبقات و بین طبقات استفاده گردید تا با افزایش حساسیت نظری به تحلیل موشکافانه مطالعه بیانجامد. پژوهشگر با برنامه‌ریزی زمانی مناسب، متن هر مصاحبه را حداقل دو نوبت سطر به سطر و با دقت مطالعه می‌نمود و با محتوای ضبط شده مطابقت می‌داد تا موفق به کشف واحدهای معنایی در کلام مشارکت‌کنندگان شود. پس از کدگذاری واحدهای معنایی، بر حسب شباهت مفهومی آن‌ها را دسته‌بندی، ادغام و خلاصه‌سازی نمود. تداوم این روند تا آنجا ادامه یافت که طبقات، زیر طبقات و درون‌مایه اصلی پژوهش حاصل گردید. برای افزایش استحکام علمی (معادل اعتبار داده‌ها در مطالعات کمی)، از روش‌های خاص تحقیقات کیفی؛ بازبینی همتایان (peer check)، بازبینی خارجی یا صاحب‌نظران (external or expert check) و بازبینی مشارکت‌کننده (member check) استفاده گردید. در این فرایند تعداد گویه‌ها از ٤٩٥ گویه به ۳۸۷ گویه تقلیل یافت. به منظور تضمین معتبر بودن یا اطمینان به صحت داده‌ها از روش حداکثری تنوع در مشارکت‌کنندگان (maximum variance of sampling) استفاده گردید.

یافته‌ها

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

از توصیف غنی و عمیق مشارکت‌کنندگان ۳ مضمون اصلی؛ «مهارت»، «قانون و مقررات»، و «شرایط» به دست آمد که هرکدام دارای زیر طبقاتی به شرح زیر بودند:

الف) مهارت

تحلیل اظهارات مشارکت‌کنندگان مشخص نمود که «مهارت» یکی از مضامین اصلی و مؤثر بر مشارکت دادن دانشجویان در تدریس است. آن‌ها اظهار نمودند که برای توسعه مشارکت دانشجویان در تدریس، مهارت استاد و مهارت دانشجو لازم و ملزوم همدیگر هستند. طبقه «مهارت» خود به دو زیر طبقه «مهارت استاد» و «مهارت دانشجو» متمایز می‌شد.

۱- مهارت استاد:

مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که مهارت استاد در جلب مشارکت دانشجویان برای تدریس یکی از مؤلفه‌های مؤثر در تدریس مشارکتی است. آن‌ها اظهار می‌کردند که یکی از مهارت‌های مهم و ضروری در تدریس، توانایی تدریس مؤثر است و مشارکت دانشجو در تدریس را روشی برای تدریس مؤثر می‌دانستند:

« من معتقدم اگه دانشجو رو وارد تدریس کنیم یعنی مشارکت بدیم باعث میشه که احساس کنه سهمی در جریان کلاس داره. این خیلی مهمه و باعث میشه حواسشو جمع کنه و بیشتر به درس اهمیت بده » (م. ۱)

«خب میشه گفت که واقعا اگه دانشجویان در تدریس با استاد همکاری کنند، هم به نفع استاده و هم به نفع خودشون. بهتر یاد می‌گیرن و استاد هم کمتر خسته میشه.» (م. ۲)

« در این که مشارکت دادن دانشجوها توی تدریس مهمه شکی نیست. ولی اغلب محتوای درس گاهی جوریه که دانشجو نمی‌تونه مشارکتی در تدریس داشته باشه. من خودم اغلب میخام که مشارکتشون بدم ولی گاهی اصلا تو باغ نیستن» (م. ۵)

هرچند که اغلب از روش مشارکت دادن دانشجویان در تدریس اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و یا تنها به شیوه‌هایی نظیر «فراخواندن دانشجو»، «پرسش و پاسخ کلاسی»، «تعیین تکالیف درسی» اشاره می‌کردند:

« ... خب میشه ازشون پرسید. میشه ازشون تکلیف خواست. این‌ها کارایی است که من اغلب انجام میدم و نتیجه خوبی هم داشته. دانشجوها حواسشون جمع میشه و فکر کنم باعث میشه بهتر یاد بگیرن» (م. ٤)

« ... من ازشون سؤال می‌پرسم. هر جلسه قبل از شروع کلاس و حتی در [طی] جلسه. این روش خوبیه. ولی گاهی سبب میشه فقط وقت کلاس گرفته بشه. چون جواب سؤال رو نمی‌دونن ... » (م. ۳)

۲- مهارت دانشجو:

مشارکت‌کنندگان وجود مهارت‌های لازم برای دانشجویان جهت شرکت در تدریس را نیز لازم و ضروری می‌دانستند. تحلیل اظهارات مشارکت‌کنندگان در این زمینه، ما را به مهارت‌هایی نظیر؛ مهارت ارتباطی، اعتماد به نفس و انگیزه رهنمون نمود:

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

«... برخی دانشجوها اصلا تمایلی به مشارکت و بحث در کلاس ندارند. اغلب این‌ها متخصص در تست زدن هستند [همراه با لبخند]. یعنی این جوری کنکور دادن و این جوری هم عادت کردن ... » (م. ٦)

«... خب توی هر کلاسی دو سه نفر هستن که مهارت خوبی دارن. خوب ارتباط برقرار می‌کنن. درست و سنجیده حرف می‌زنن. فکر کنم [در] شخصیتشون اعتماد به نفس بالایی دارن. » (م. ٧)

«.. سؤالات زیادی می‌کنن. البته من به همه سؤالاتشون پاسخ نمیدم. برخی رو میگم خودشون برن مطالعه کنن و [من] فقط رفرنس بهشون میدم ...» (م. ٨)

ب) قانون و مقررات

«قانون و مقرات» مضمون دیگری بود که از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج گردید. مشارکت‌کنندگان ضمن تأکید بر ضرورت و اهمیت مشارکت دانشجو در تدریس، به موضوع «قوانین و مقررات» به عنوان یک نقطه قوت و ضعف اشاره کردند. این طبقه شامل زیر طبقات «قوانین ارزشیابی» و «مقررات آموزشی» بود.

١- قوانین ارزشیابی

از نظر برخی مشارکت‌کنندگان، قوانین مربوط به ارزشیابی استاد نیازمند بازنگری و اصلاح است. برخی اشاره نمودند که در ارزشیابی آموزشی استاد ملاک اصلی حجم و تعداد واحدهای تدریس است نه کیفیت تدریس. آن‌ها اظهار کردند که کیفیت تدریس استاد فقط از دیدگاه دانشجویان مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد، که البته این نوع ارزشیابی آموزشی که توسط دانشجویان انجام می‌شود اغلب با سوگیری‌هایی همراه است:

«... خب البته میشه فقط درستو بدی و بری. مشارکت دادن دانشجو در تدریس اصطلاحا الزام آموزشی نداره و در ارزشیابی ما اثری نداره. یعنی کسی از معاون آموزشی، مدیر گروه و بقیه، به این مسأله توجه نمی‌کنه و براشون فرقی نمی‌کنه که شما چه جور تدریس می‌کنی. فقط این که دانشجو اعتراض نکنه براشون کافیه ... » (م. ٥)

« ... خب البته شکی نیست که مشارکت دادن دانشجوها در تدریس خیلی می‌تونه براشون درس رو شیرین کنه. اما از طرفی ممکنه به مذاق برخی از اونا [آن‌ها] خوش نیاد و باعث گله مندی بشه. ... مثلا واقعا خیلی [از دانشجو] ها دوس ندارن بهشون تکلیف بدی و برن روی پروژه تحقیق کنن. ممکنه باعث نارضایتیشون بشه» (م. ٦)

«... بهتره که بین استادی که دانشجو رو مشارکت میده و استادی که اصلا به مشارکتش توجهی نداره از نظر امتیاز ارزشیابی فرقی بزارن [بگذارند]. اصلا چه خوبه که [مشارکت دادن دانشجو در تدریس] یه [یک] امتیازی برای ارزشیابی استاد باشه» (م. ٣)

٢- مقررات آموزشی

از سویی دیگر برخی مشارکت‌کنندگان، مقررات آموزشی را مانعی برای توسعه مشارکت دانشجویان در تدریس می‌دانستند. مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که بر اساس مقررات آموزشی ملاک اصلی برای قبولی دانشجو نمره‌ای است که در آزمون درس مربوطه اخذ می‌کند، و این درحالی است که امتیاز مشارکت

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

دانشجو در تدریس نقش مهمی در نمره نهایی وی ندارد:

«... من خودم اغلب وقتی براشون تکلیف یا پروژه تعریف می‌کنم حداکثر دو سه نمره لحاظ می‌کنم. خیلی‌هاشون تا لحظه آخر اصلا به فکرش نیستن. جلسه آخر میان [می‌آیند و] متنی رو تحویل میدن [می‌دهند] و انتظار نمره پروژه دارن. این که نمیشه پروژه ...» (م. ۷)

«... اغلب [دانشجوها] میدونن که بر اساس مقررات آموزشی ما نمی‌تونیم نمره تکالیف رو خیلی جدی بگیریم. بنابراین بیشتر به نمره آزمون کتبی تمرکز دارند. ... نباید این‌طوری باشه. باید آموزش دست استاد رو باز بزاره تا بتونه از دانشجویان تکالیف بیشتر و مهم‌تری بخاد...» (م. ۳)

از سویی مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که استاد درس موظف است تا بر اساس سرفصل درسی وزارت متبوع نسبت به تدریس تمام آن اهتمام ورزد که این مسأله اغلب فرصتی برای مشارکت دانشجویان در تدریس باقی نمی‌گذارد:

«... این هم یک مسأله هست که واقعا سرفصل دروس خیلی‌هاش غیر ضروریه. نیاز به بازنگری داره. در عین حال محتوای تدریس استاد باید حداکثر هماهنگی رو با این سرفصل داشته باشه. ... یعنی دست استاد اونقدر باز نیست تا در سرفصل درسی دخل و تصرفی کنه.... » (م. ۵)

« ... مشارکت دادن دانشجو در تدریس خیلی عالیه. همه‌مون [همه ما] قبولش داریم. ولی باید فکر کنیم که آیا اگر استادی مثلا من به دانشجوهام مثلا سی تا [نفر] هستن تکلیفی بدم، آیا فرصت کافی برای نظارت روی این پروژه‌ها رو دارم یا نه. این یک مسأله است ...». (م. ۱)

ج) شرایط

آخرین مضمونی که از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها استخراج گردید مربوط به «شرایط» بود. این طبقه شامل زیر طبقات «شرایط معنوی» و «شرایط فیزیکی» بود. از نظر مشارکت‌کنندگان برخی شرایط بر روند مشارکت دانشجویان در تدریس تأثیر داشتند که تحلیل مصاحبه‌ها ما را به دو زیر طبقه «شرایط معنوی» و «شرایط فیزیکی» رهنمون ساخت.

۱- شرایط معنوی

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، شرایط معنوی حاکم بر عناصر اصلی کلاس (استاد و دانشجو) نقش مهمی بر تدریس مشارکتی داشت. لازمه مشارکت، شناخت ویژگی‌های متقابل است. مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که طی یک ترم فرصت کافی برای شناخت استعداد و علایق دانشجو وجود ندارد و از سویی دیگر دانشجویان هم به توانایی‌ها و علایق علمی استاد آشنا نمی‌شوند و در نتیجه دانشجو معمولا خیلی دیر در جریان هدف اصلی درس قرار می‌گیرد. معمولا هر استادی روش خاصی برای تدریس در پیش می‌گیرد و ماهیت درس هم اثرگذار بود:

«... کار کردن با برخی دانشجوها خیلی سخته. اصلا هر چی توضیح میدی منظورت رو متوجه نمیشن. تا بیان بفهمن که ما چی می‌خواستیم [از پروژه] ترم تموم شده...» (م. ٤)

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

« ... خب لازمه‌اش [لازمه مشارکت] اینه که دانشجو و استاد بیشتر با هم تعامل داشته باشند تا بهتر بتونن از توانمندی‌های علمی واستعداد هم مطلع بشن. این مسأله برای مقطع کارشناسی ضروری نیست. اصلا فرصت نیست. برای مقاطع بالاتر تحصیلی خب تعداد دانشجوها کمتره و این امکان بیشتر فراهمه [فراهم است] تا از ویژگی‌های علمی و استعداد دانشجو مطلع بشیم» (م. ٦)

«...ماهیت درس من جوریه که واقعا نمیتونن مشارکت کنن...» (م. ٦ و ٨)

از سویی دیگر حجم وظایف آموزشی و پژوهشی استادان طی یک ترم باعث می‌شد تا خیلی از اساتید فرصت و توان لازم برای جلب مشارکت دانشجویان در تدریس را نداشته باشند:

«... من به شخصه خودم ١٤ واحد موظفی و اضافه کارمم فول دارم. یعنی اغلب کلاس و بیمارستانم [بیمارستان هستم]. واقعا خیلی وقتا انرژی نمی‌مونه که بخام دانشجویان رو مشارکت بدم ...» (م. ٣)

«... ما هم می‌دونیم که مشارکت دادن دانشجو در درس خیلی خوبه و مهمه. اما واقعا دیگه وقتش می‌مونه؟... خیلی وقتا اصلا حالشو نداریم خصوصا برای کلاس‌های عصر...» (م. ٧)

٢- شرایط فیزیکی

از نظر مشارکت‌کنندگان، شرایط فیزیکی کلاس هم بر مشارکت دادن دانشجویان در تدریس تأثیرگذار بود. آنان اظهار کردند که شرایط لازم برای مشارکت در تدریس در خیلی از کلاس‌ها وجود ندارد. این شرایط عمدتا شامل عوامل فیزیکی مانند چیدمان میز و صندلی، نقص در وسایل کمک آموزشی، و سر و صدای کلاس بود:

« ... من یک ترم توی هر کلاسم دانشجوها رو به صورت گروهی تقسیم می‌کردم که صندلی‌هاشون به صورت دایره کنار هم بزارن و چند تا گروه تشکیل بدن.... خوب بود. ولی این کار خیلی از وقت کلاس رو می‌گرفت. ... شرایط مهیا نیست ... » (م. ٦)

«.. گاهی اوقات مشارکت دادن گروه‌های کلاسی در تدریس باعث سر و صدا میشه که نه تنها مانع از یادگیریشون میشه بلکه باعث میشه کلاس‌های دیگه هم دچار مشکل بشن. ... به هر حال کار مشارکتی شرایط خاص خودش رو می‌طلبه. » (م. ٣)

« ... شما تصور کنید اگه دانشجوهای هر کلاس رو به گروه‌هایی تقسیم کنیم و بخوایم کارشون رو برای بقیه ارایه بدن. این شرایط خیلی سخته. واقعا نیازه که امکانات کمک آموزشی توسعه پیدا کنه و چند گروه بتونن به طور هم‌زمان ازش استفاده کنن. اما این طور نیست و این کارو خیلی سخت می‌کنه... » (م. ١)

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتوی است که با هدف تبیین و توسعه مشارکت دانشجویان در تدریس صورت گرفته است. آن چه که در مجموع از تحلیل یافته‌ها در این مطالعه به دست آمد نشان داد که اهمیت مشارکت دانشجو در اجرای تدریس مؤثر، مورد توافق اعضای هیأت علمی مشارکت‌کننده در این طرح بود. از نظر آنان

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

تدریس موفق دارای شرایطی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ایجاد فرصت برای مشارکت دانشجویان در تدریس است. در این رابطه مطالعات دیگری که در حوزه آموزش پزشکی و یا آموزش و پرورش انجام شده نیز مؤید همین مطلب هستند (۱۱ –۹ ،۷). از دیدگاه اعضای هیأت علمی مشارکت‌کننده در این مطالعه، سه عنصر «مهارت»، «قوانین و مقررات»، و «شرایط» بر به کارگیری و استفاده از روش مشارکتی تأثیرگذار بودند. آن چه از تحلیل اظهارات آنان به دست آمد حاکی است که از نظر آنان مفهوم «مهارت استاد و دانشجو» به معنی مهارت در برقراری ارتباط و نیز مهارت بحث و مذاکره گروهی بود. واقعیت این است که تدریس موفق تنها در بستر برقراری ارتباط مؤثر، محقق خواهد شد (۱۰ ،۵). ارتباط یک مفهوم جامعه‌شناختی و در عین حال روان‌شناختی است. از این رو مهارت طرفین تدریس در برقراری صحیح ارتباط می‌تواند به توسعه تدریس مشارکتی در کلاس منجر شود (۱۰). به این ترتیب این سؤال مطرح خواهد شد که استاد و دانشجو تا چه اندازه به فنون مذاکره و ارتباط که لازمه تدریس مشارکتی است، آگاهی دارند؟ پژوهشگران در جستجوی پاسخ به این سؤال، به هیچ مطالعه علمی برخورد نکردند که میزان آگاهی و مهارت استاد و دانشجو در برقراری ارتباط و مدیریت بحث گروهی را سنجیده باشد. هرچند که پیمان و همکاران در مطالعه‌ای مهارت ارتباط بین فردی را در مربیان دانشگاه علوم پزشکی ایلام بررسی نموده‌اند که نتیجه مطالعه آنان حاکی از سطح پایین مهارت بین فردی در جامعه هدف بود (۵). با این حال نگاه اجمالی به کوریکولوم درسی تحصیلات تکمیلی نشان می‌دهد که تنها معدود رشته‌هایی در گروه علوم پزشکی سرفصل‌هایی از جمله؛ «ارتباطات» و «بحث و مذاکره گروهی» را گذرانده‌اند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وجود برخی شرایط برای تدریس مشارکتی لازم و ضروری است. این عناصر در سه حیطه استاد، فراگیر و محیط آموزشی مربوط هستند (۱۲ ،۱۱ ،۳). تدریس مشارکتی نوعی رابطه بین فردی است که نه تنها با همکاری، بلکه با حساسیت نسبت به نیازهای دیگران مشخص می‌شود (۱۴ ،۱۳). اغلب به اشتباه تصور می‌شود که وظیفه اصلی استاد در تدریس مشارکتی ایجاد زمینه رقابت بین دانشجویان است، در حالی که وظیفه اصلی استاد ایجاد زمینه مشارکت، همکاری و همیاری گروهی میان فراگیران است (۱۳). می‌توان گفت که فلسفه تدریس مشارکتی، ایجاد حس رفاقت و همکاری بین فراگیران به منظور ارتقای سطح یادگیری است. اگر چه، وجود برخی تفاوت‌های فردی در دانشجویان مانند؛ ویژگی‌های هوشی، شخصیتی، زمینه خانوادگی و نظایر این‌ها باعث ایجاد رقابت بین آن‌ها می‌شود، اما یک استاد حرفه‌ای، هرگز به این رقابت‌ها دامن نمی‌زند (٦ ،۵). از سویی دیگر علی‌رغم اذعان مشارکت‌کنندگان به اهمیت تدریس مشارکتی، بعضی از «قوانین و مقررات» را مانع

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

توسعه این روش می‌دانستند. تدریس مشارکتی، روش پیچیده‌تر از روش مرسوم سخنرانی است (۱۵ ،۱۳). در این روش ممکن است از فراگیران خواسته شود تا به تحقیق یک موضوع و ارایه آن بپردازند. از آنان خواسته می‌شود تا در کلاس به گروه‌هایی تقسیم شده و نتایج تفکر علمی خود راجع به موضوع درسی را شرح دهند (۱۵). کاملا مشخص است که این شیوه تدریس در مقایسه با روش سخنرانی وقت و انرژی بیشتری از استاد را صرف می‌کند. این شرایط گاهی ممکن است سبب نارضایتی آموزشی در استاد و دانشجو شود و به دنبال آن تبعات آموزشی و ارزشیابی منفی به همراه داشته باشد.

مضمون دیگری که از محتوای مصاحبه‌ها استخراج شد نشان داد که برخی شرایط هم بر اجرای روش تدریس مشارکتی دخیل هستند. تعداد زیاد دانشجویان، شرایط فیزیکی کلاس درس، نوع محتوای درسی، و نیز کمبود و یا عدم وجود وسایل و تکنولوژی آموزشی مناسب برای تدریس مشارکتی می‌تواند بر اجرای آن تأثیر بگذارد. اغلب این شرایط تحت کنترل استاد و یا دانشجو نیستند و آن‌ها نمی‌توانند در کمیت یا کیفیت این شرایط دخل و تصرفی نمایند. پژوهش‌ها تعداد مناسب فراگیر در تدریس مشارکتی و بحث کلاسی را در بهترین شرایط حداکثر ۱٤ نفر اعلام می‌کنند (۱٦ ،۱۳)، بنابراین کاملا قابل تصور است که حضور بالغ بر ۵۰ نفر دانشجو در کلاس درس چه معضل بزرگی برای تدریس مشارکتی است.

آن چه در مجموع از نتایج این مطالعه به دست آمد نشان می‌دهد که استادان در خصوص اهمیت تدریس مشارکتی اتفاق نظر دارند، تنها در مرحله اجرا و کاربست آن برخی موانع احساس می‌شود. اگرچه برخی عناصر تدریس مشارکتی قابل تغییر و تعدیل نیست، لیکن توجه به عناصر قابل تعدیل آن مورد توصیه پژوهشگران است. از سویی دیگر، لازم است نسبت به نیازهای آموزشی استادان و دانشجویان در زمینه دو مقوله اساسی در تدریس مشارکتی؛ «مهارت ارتباط مؤثر» و «مهارت بحث گروهی» اهتمام جدی صورت گیرد. نتایج این مطالعه می‌تواند توسط مراکز مطالعه و توسعه آموزش دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد و با برگزاری کارگاه‌ها و سایر روش‌های آموزشی نسبت به آموزش دو مهارت مذکور به اعضای هیأت علمی اهتمام کنند. در این صورت شاهد افزایش مشارکت دانشجویان در تدریس خواهیم بود.

با این حال ذکر این نکته لازم است که به لحاظ متدولوژی کیفی این مطالعه، امکان تعمیم نتایج یافته‌های ما به سایر دانشگاه‌ها وجود ندارد. از سویی دیگر، دسترسی به اعضای هیأت علمی به منظور انجام مصاحبه با اغلب آنان به راحتی مقدور نبود و موجب گردید تا انجام مطالعه بیش از زمان پیش‌بینی شده به طول انجامد. پژوهشگران این مطالعه توصیه می‌کنند تا شبیه این مطالعه در دانشگاه‌های دیگر نیز انجام شود تا

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

تصویر جامع‌تری از مفهوم مشارکت در تدریس حاصل گردد.

جلب مشارکت دانشجو و برنامه‌ریزی جهت توسعه مشارکت دانشجویان می‌تواند نقش مهمی در بهبود فرآیند تدریس و یارگیری داشته باشد. انجام مطالعات بیشتر به منظور افزایش مشارکت دانشجویان در تدریس و نیز توانمندسازی استادان در این خصوص پیشنهاد می‌گردد.

محدودیت‌ها:

انجام پژوهش حاضر محدودیت‌هایی را نیز به همراه داشت. برنامه‌ریزی برای انجام مصاحبه از اعضای هیأت علمی به دلیل مشغله کاری فراوان آن‌ها با مشکل انجام شد. از سویی دیگر نتایج مطالعه حاضر به لحاظ متدلوژی کیفی، امکان تعمیم به دانشگاه‌های دیگر را ندارد.

سپاسگزاری

برخود لازم می‌دانیم از حمایت معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی، و نیز مشارکت اعضای هیأت علمی تشکر نماییم.

References

1. Momeni Danaei Sh, Zarshenas L, Oshagh M, Omid Khoda SM. Which Method of Teaching Would be Better; Cooperative or Lecture? Iranian Journal of Medical Education 2011; 11(1):24-31.
2. Ghasemian Safaei H, Farajzadegan Z. Active Participation of Students in the Teaching. Iranian Journal of Medical Education 2012; 11(9): 1129-30.
3. Azarbarzin M, Haghanie F. Active Learning: An Approach for Reducing Theory-Practice Gap in Clinical Education. Iranian Journal of Medical Education 2012; 11(9): 1179-90.
4. Panjehpour M, Ataee N. Comparison the Effectiveness of Problem Solving Method with Lecture-based Method in the Teaching of Metabolic Biochemistry. Iranian Journal of Medical Education 2012; 11(9): 1318-25.
5. Peyman H, Yaghoobi M, Sadeghfar J, Sayemiri K, Alizadeh M, Yamani N, et al. Assessment of Interpersonal Communication Skill Levels in Lecturers of Ilam University of Medical Sciences: A Case Study. Iranian Journal of Medical Education 2012; 11(9): 1436-42.
6. Heshmati F, Vanaki Z. Effective Clinical Instructor: A Qualitative Study. Nursing Research 2010; 4(12, 13): 39-53.
7. Najafi Kalyani M,Sharif F, Moattari M, Jamshidi N, Karimi Sh. Decrease in Motivation of Nursing Students: A Qualitative Study. Iranian Journal of Nursing Research 2011; 6(21):39-47.
8. Taheri A, Forghani S, Atapour S, Hasanzadeh A. The Effective Clinical Teaching from Faculty Members' and Rehabilitation Students' Point of view. Iranian Journal of Medical Education 2012; 11(9): 1131-39.
9. Momeni Danaei S, Zarshenas L, Oshagh M, Omid Khoda SM. Which Method of Teaching Would be Better; Cooperative or Lecture? Iranian Journal of Medical Education 2012; 11(1): 24-31.
10. Solati M, Javadi R, Hosseini Teshnizi S, Asghari N. Desirability of Two Participatory Methods of Teaching, Based on Students' View Point. HMJ 2011; 14(3): 191-7.
11. Mohammadi M, Marzughi R, Naseri Jahromi R, Dorfeshan M, Mokhtari Z. The Effect of Cooperative Teaching on Student's Group Cohesion: The Mediator Role of Cooperation Approaches. Knowledge & Research in Applied Psychology 2015; 16(3): 49-59.

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

12. Abiri M, Sadeghi A, Khosro Gavid M, Ofoghi N. A Comparison of Cooperative, Discovery and Lecture Method on Students Learning Development and Outlook toward Physics. Research in Curriculum Planning 2014: 11(15): 55-67.
13. Rezaee R, Moadeb N, Shokrpour N. Team-Based Learning: A New Approach toward Improving Education. Acta Med Iran 2016;54(10):678-82.
14. Lee SS. Has Medical Education Killed "Silence"? Med Teach 2016; 13:1-2.[https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/27841064].
15. Jafari Z. Comparison of Rehabilitation Students' Learning in Neurology through Lecture with Team-Based Learning (TBL). Iranian Journal of Medical Education 2013; 13(6): 448-56.
16. Emamiyan-Kheshti, Ghasemi M, Mehraji N, Banihashem S, Badali M. The effect of integration of Merrill's first principles of instruction with team based learning on the achievement of recall and application of nursing students. 3 JNE. 2016; 5 (1) :62-71. [http://jne.ir/article-1-612-fa.html].

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]

Faculties' Perspective toward Students' Participation in Teaching: A Qualitative Study

Kazem Hosseinzadeh[1], Ramin Sarchami[2], Hoda Moradabadi[3], Mostafa Kazemzadeh Arbab[3]

[1] Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

Orcid ID: 0000-0003-2076-7455

[2] Department of Medical Education, Faculty of Medicine, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

[3] Student Research Committee, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

(Received 2 Jul, 2017 Accepted 8 Oct, 2017)

Original Article

Abstract

Introduction: Teaching is defined as a targeted action during the educational process which is designed, implemented and evaluated by the instructor. One of the most effective tricks that can lead to effective learning is the participation of students in teaching. This was a phenomenological study which aimed to explore the faculties' perspectives about students' participation in teaching. It was conducted in Qazvin University of Medical Sciences.

Methods: This was a qualitative study. Theinclusion criterion for the participants was having at least 5 years of teaching experience. Eight participants enrolled in the study based on the criterion of data saturation. Data gathering was performed using a semi-structured interview. Themes and subcategories were extracted after content analysis.

Results: Three main themes including "skill", "Rules and Regulations", and "circumstances" were extracted from content analysis. The theme of "Skill" consisted of two subcategories; "student's skill" and "Instructor's skill". "Evaluation rules" and "education regulations" were the next categories. The theme of "Circumstances" was divided to "spiritual" and "physical".

Conclusion: Although, some elements of participatory teaching may not be modified, the others should be improved. In addition, it is necessary to amend the two main needs of participatory teaching; "communication" and "group discussion" both among students and instructors.

Correspondence:
Ramin Sarchami
Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
Orcid ID:
0000-0002-5243-8421
Email:
sarchami_3000@yahoo.com

Key words: Instructor, Participation, Qualitative Study, Students, Teaching.

Citation: Hosseinzadeh K, Sarchami R, Moradabadi H, Kazemzadeh Arbab M. Faculties' Perspective toward Students' Participation in Teaching: A Qualitative Study. Journal of Development Strategies in Medical Education 2018; 5(1): 42-53.

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2025-11-06]